

متن پرسش

با سلام و احترام خدمت استاد معزز: اول از اینکه وقت گرانبهایتان را می‌گیریم عذرخواهی می‌کنم ان شاءالله خداوند به وقتتان برکت دهند. استاد کتاب بصیرت حضرت زهرا سلام الله علیها را به تازگی خوانده ایم و تازه فهمیده ایم شخصا چقدر نسبت به شناخت این خاندان کوتاهی کرده ایم و چقدر بی بصیرت هستیم، اما چیزی که برایم سوال شده است این است که اگر حب جاه و مقام نبود شاید سقیفه به وجود نمی‌آمد و با توجه به شناختی که از خود داریم در درون بنده هم همین حب جاه و مقام و... می‌باشد، مثلا اگر درسی می‌خوانیم برای اسم در کردن باشد نه برای یاری کردن امام زمان مان، ترسی در وجودم افتاده که نکند با وجود چنین صفتی یاری گر امان زمان عج الله تعالی فرجه الشریف نباشیم و خدای نکرده در مقابل ایشان بایستیم. با این حب جاه و مقام چه باید کرد؟ هرچه به خود نهیب هم می‌زنیم و یا اگر در موقعیتی باشیم سعی می‌کنیم گمنام باشیم ولی باز این حب در دل هست. و یک سوال دیگر از خدمتتان دارم برای امثال بنده که اینقدر بی بصیرت هستیم چه باید بکنیم تا بصیرتمان بالا رود؟ مثلا استاد چند روز پیش فیلم فروشنده را دیدیم با اینکه از فیلم بدمان آمد ولی اصلا نگاه انتقادی به این فیلم نداشتیم تا اینکه بعد از چند روز با خواندن نقدهایی که به فیلم وارد شده بود شروع کردیم به بررسی سکانسها و اینکه اصلا هدف از ساخت این فیلم چه بود. این بی بصیرتی و اینکه زود همه چیز را می‌پذیریم آزارمان می‌دهد. لطفا اگر برایتان مقدور است این حقیر را راهنمایی بفرمایید.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱- اگر انسان پای در جاده‌ی دینداری بگذارد، نور ایمان به مرور بر قلبش می‌تابد و به همان اندازه به مرور، حبّ جاه از وهم و خیالش رخت برمی‌بندد. لذا به ما گفته‌اند: «تو پای به راه در نه و هیچ می‌پرس / خود راه بگویدت چون باید کرد» ۲- وقتی آرام آرام معارف الهی برای انسان شکل گرفت به همان اندازه بصیرت لازم حاصل می‌شود. موفق باشید